



انترناسیونال

۱۲۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۱ بهمن ۱۳۸۴، ۱۰ فوریه ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

لیست حمایتها از
مبارزه کارگران واحد
صفحه ۸

باید از آزادی بیان پاسداری کرد با انفجار ترقه مراسم سینه زنی
رژیم را به هم زدند!
اطلاعیه حزب
صفحه ۵

حتی محمد هم به
کاریکاتورهایش اعتراض کرد!
صفحه ۷



حمید تقوایی

کدام بحران، کدام راه حل ؟ نگاهی به "بحران هسته ای" و "راه حل" حمله نظامی به ایران

موازین بین المللی فعالیتهای هسته ایش را ادامه خواهد داد و این بنوبه خود احتمال دست زدن به اقدامات "تنبیهی" شدیدتری از
صفحه ۲

حادثه ای شد. جمهوری اسلامی همانطور که انتظار میرفت اعلام کرد که مستقلا و بدون پاسخگویی به هیچ مرجع و

با ارجاع پرونده فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت آنچه "بحران هسته ای" خوانده میشود وارد مرحله

جنگ اسلام و کاریکاتورها!
جنگ ارتجاع و انسانیت



ستون اول

محسن ابراهیمی

جنگ اسلام و کاریکاتورها! جنگ ارتجاع و انسانیت

کاریکاتورهایی از محمد، جنبش اسلامی را پاك كلافه کرده است. یکی از آن کاریکاتورها، محمد با عمامه ای بمبی است. جریانات اسلامی الم شنگه راه انداخته اند که به مقدسات اسلام توهین شده و حرمت "مردم مسلمان" پایمال شده است. حرمت "مردم مسلمان"، یک دروغ آخوندی جنبش اسلامی است. کسانی که حرفه ای جز زیر پا گذاشتن حرمت انسان بلد نیستند حق ندارند از حرمت انسان حرف بزنند. فقط ۷۰ میلیون از این "مردم مسلمان" در ایران زندگی میکنند که به یک مبارزه مرگ و زندگی با نمایندگان واقعی همین محمد مشغول هستند. توحشی که لمپنیسم اسلامی در مقابل چشمان حیرت زده جهان متمن راه انداخته است هیچ ربطی به حفظ حرمت هیچ کسی ندارد. این یک حرکت سازمان یافته توسط جنبش اسلامی برای پیش بردن یک دستور عمل روشن سیاسی است.

پای جنبش اسلامی در گل فرورفته است. در مرکز قدرتت ایران، در مقابل یک جنبش وسیع ضد اسلامی قرار دارد. در کشورهای تحت سلطه اش منفور مردم شده است. در

صفحه ۳

۱۵ فوریه کارگران!

اتحادیه های جهانی روز ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) را روز حمایت از کارگران ایران اعلام کردند

در صفی متحد در همبستگی با کارگران ایران به خیابانها بیاییم!
صفحه ۸

از تهران تا ژنو
کارگران واحد در تهران
و ما در ژنو همصدا هستیم

صفحه ۶

خلیل کیوان

شوراهای اسلامی تشکلهای
ایدئولوژیک اسلامی هستند!
آنها را باید فوراً از سازمان جهانی کار اخراج کرد

نامه شهلا دانشفر به سازمان جهانی کار
صفحه ۵

کنفرانس بین المللی به مناسبت
روز جهانی زن در آلمان

صفحه ۴

ملاقات حزب کمونیست کارگری ایران
با رئیس "آی ال او" در بریتانیا

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **کدام بحران، کدام راه حل؟**

آغاز شروع بحران از جانب بوش و هیات حاکمه آمریکا بعنوان "آخرین گزینه" مطرح شده است، حمله نظامی به ایران است. مقامات آمریکائی از امکان عملیات نظامی موردی و هدفمند به مقرهای فعالیت‌های هسته‌ای در ایران سخن میگویند و حتی گفته میشود ممکن است اسرائیل در این عملیات نقش ایفا کند. اما آیا واقعا چنین حمله ای صورت خواهد گرفت؟ آیا این تهدیدات صرفا یک مانور سیاسی و دیپلماتیک نیست؟ آیا شورای امنیت چنین طرحی را خواهد پذیرفت و در تصویب و انجام این طرح اروپای واحد در کنار آمریکا قرار خواهد گرفت؟

در شرایط حاضر نمیتوان به چنین سئوالاتی پاسخ قطعی داد. حتی آن دسته از مقامات غربی که از احتمال حمله نظامی صحبت میکنند هنوز بروشنی نمیدانند که کی و چگونه این حمله صورت خواهد گرفت. عوامل متعددی وجود دارد که مطلوبیت راه حل نظامی را برای دول غربی جدا بزیر سؤال میبرد. اولین مساله تجربه عراق است. باتلاقی که دولت آمریکا و به درجه ای انگلیس در عراق در آن گرفتار شده و موج اعتراضی که در خود این کشورها علیه حضور نظامی در عراق مدام در حال گسترش است به دولتهای غربی امکان چندانی برای تبلیغات جنگی و مهندسی افکار عمومی نمیدهد. این بار توجیه جنگ و قانع کردن افکار عمومی، حتی در همان سطحی که حمله به عراق را توانستند به مردم بفروشنند، برای مقامات و رسانه های غربی امکانپذیر نیست و در دستور گذاشتن اقدامات نظامی مشابه آنچه علیه عراق انجام شد، مردمی که هم اکنون خواهان خروج نیروهای نظامی از عراق هستند را در سطح وسیعتری در اعتراض به تکرار این فاجعه بمیدان خواهد آورد.

عامل دیگر روابط سیاسی - اقتصادی نزدیکی است که میان اروپای واحد و بویژه کشورهای عضو شورای امنیت با جمهوری اسلامی وجود دارد. از هم اکنون روسیه و چین اعلام کرده اند که با هر نوع عملیات نظامی علیه ایران مخالفند و حتی تحریم اقتصادی را نیز به شکل محلود و مشروطی میپذیرند.

موضوع دولتهای اروپای واحد نیز کما بیش همین است. حتی انگلستان که تا امروز مدافع بیقید و شرط سیاست میلیتاریستی آمریکا و متحد نزدیک بوش بوده است نه تنها از طرح حمله نظامی علنا دفاع نمیکند بلکه، به گفته جک استرا وزیر امور خارجه انگلیس، حتی اگر جمهوری اسلامی مانند کره شمالی به بمب اتمی دست پیدا کند راه حل نظامی را اجتناب ناپذیر نمیداند. جک استرا در پاسخ نمایندگان پارلمان انگلیس میگوید حتی در آن شرایط نیز دولت انگلیس راه حل دیپلماتیک را ترجیح میدهد. مخالفت دیگر کشورهای اروپائی با راه حل نظامی حتی از این نیز شدید تر است. اروپای واحد در مورد عراق تماما در کنار آمریکا قرار نگرفت و در مورد ایران بیشک اختلاف مواضع و اصطکاکها بیشتر و حاد تر خواهد بود.

و بالاخره مهمترین عاملی که احتمال حمله نظامی به ایران را ضعیف میکند موقعیت سیاسی در خود ایران است. در جامعه ایران بر خلاف عراق و یا افغانستان یک جنبش اعتراضی وسیع علیه جمهوری اسلامی وجود دارد و مردم وسیعا نه تنها از جمهور اسلامی متنفرند بلکه با اعتصابات گسترده و مداوم کارگری، اعتراض بیوقفه به بی حقوقیها و اجحافات حکومت اسلامی و تظاهرات و شورشهای شهری یک فاکتور فعال و تعیین کننده در عرصه سیاسی ایران محسوب میشوند. این وضعیت برای دولتهای غربی بیانگر آنست که صحنه سیاسی جامعه ایران یک صحنه آرام و قابل کنترل ومحاسبه نیست و بخصوص در شرایطی که حمله نظامی در ایران بوجود خواهد آورد کنترل اوضاع میتواند تماما از دست غرب خارج شود.

مجموعه این شرایط دول غربی را در عملی کردن سیاست حمله نظامی بسیار محتاط میکند و چنین عملیاتی را نامحتمل میسازد اما آثرا غیرممکن نمیکند. از نقطه نظر دول غربی حتی آنان که با حمله نظامی کاملا مخالفند جمهوری اسلامی باید به هر شکل ممکن از دستیابی به سلاحهای هسته‌ای منع شود اما مشکل اینست که راه حل های غیر نظامی نیز به نظر نمیرسد کاربرد چندانی داشته باشند. هر نوع

اقدام تنبیهی که شورای امنیت بر سر آن به توافق برسد، حتی تحریم کامل اقتصادی، نخواهد توانست پروژه های هسته‌ای جمهوری اسلامی را کاملا متوقف کند، بخصوص که در مورد معنی و مضمون و دامنه تحریم سیاسی و اقتصادی، بسته به دامنه روابط سیاسی و بویژه اقتصادی دولتهای عضو شورای امنیت با جمهوری اسلامی، موضوعگیریهایی متفاوتی وجود دارد و هر نوع اقدام متحد این دولتها بر مبنای فصل مشترک مواضعشان کاملا برای جمهوری اسلامی قابل تحمل خواهد بود.

این شرایط دولتهای غربی و بویژه آمریکا را به سمت دست بردن به "آخرین گزینه" سوق خواهد داد و دست زدن به اقدام نظامی، حتی بدون تایید سازمان ملل و یا شورای امنیت را بعنوان تنها آلترناتیو ممکن و موثر روی میز هیات حاکمه آمریکا قرار میدهد. این امکان وجود دارد که با حاد شدن بیشتر بحران، انگلیس و برخی دیگر از دولتهای اروپا نیز در نهایت به این راه حل رضایت بدهند. این واقعیات در کلیت خود نشاندهنده آنست که حمله نظامی به ایران هر اندازه هم که بعید باشد، غیرممکن نیست. وجود چنین امکانی هر نیروی انساندوست و مترقی و آزادیخواهی را موظف میکند که از همین امروز فعالانه و با تمام قدرت به مقابله با آن بپردازد. عواقب حمله نظامی به ایران چنان فاجعه بار است که حتی اگر یک درصد امکان وقوع داشته باشد باید در برابر آن ایستاد و از وقوع چنین فاجعه‌ای با تمام قوا جلوگیری کرد.

از نقطه نظر مردم تهدید حمله نظامی و سایر راه‌های دول غربی خود جزئی از صورت مساله پدید آمده است که بحران هسته‌ای خوانده میشود. راه حل مردم باید خطر دست یافتن جمهوری اسلامی به سلاحهای هسته‌ای و عکس‌العملهای دول غربی به آثرا با هم خنثی کند. امروز مساله سلاحهای هسته‌ای به موضوع مناقشه بین تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب تبدیل شده و در این مورد نیز مانند مساله ۱۱ سپتامبر مردم دنیا، یا بقول منصور حکمت جهان متمدن، راه حل مستقل خود را دارند. این راه حل چیست؟ قبل از پاسخ گفتن به این سئوال و برای اینکه بتوانیم پاسخ صحیحی به آن بدهیم باید ابتدا

بینیم اصولا مساله از دید مردم ایران و دنیا چیست؟

علت مخالفت هیات حاکمه آمریکا و سایر دولتهای غربی با تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نفس مرگبار و دهشتناک بودن چنین سلاحهایی نیست، بلکه مساله صرفا به اصطکاکها و اختلافات سیاسی مربوط میشود که بین جمهوری اسلامی و دولتهای غربی وجود دارد. از نظر مردم ایران و جهان مساله بر عکس است، اختلافات و اصطکاک منافع بین غرب و جمهوری اسلامی ربطی به مردم ندارد، آنچه برای آنها مطرح است نفس پیوستن یک دولت دیگر به اردوگاه دارندگان سلاح اتمی و تیره تر شدن کابوسی است که از زمان تولید و بکار گرفتن بمب اتمی توسط آمریکا در پایان جنگ دوم جهانی دنیا را در بر گرفته است. از نظر مردم باید جلوی پروژه اتمی جمهوری اسلامی گرفته شود نه به این خاطر که با منافع دولتهای غربی خوانائی ندارد بلکه به این دلیل که گسترش این سلاحها خطر نابودی کره ارض را تشدید خواهد کرد. مردم جهان به همان اندازه به جمهوری اسلامی اتمی معترض اند که به اسرائیل و پاکستان و آمریکا و یک یک دولتهائی که به این مهلک ترین سلاح کشتار جمعی مجهزند و میتوانند با فشار یک دکمه میلیونها نفر را در یک چشم بهم زدن خاکستر کنند. مردم میخواهند از کابوس اتمی خلاص شوند و مخالفت آنها با اتمی شدن جمهوری اسلامی جزئی از مبارزه برای خلع سلاح اتمی همه دولتهاست. دولت آمریکا بعنوان تنها دولتی که سلاحهای اتمی را بکار برده است و سایر اعضای شورای امنیت که خود به سلاحهای اتمی مجهز اند و کلا هر دولتی که خود سلاح هسته‌ای دارد داوران ذیصلاحی برای حکمیت در مورد مجاز بودن یا نبودن سایر دولتها به داشتن سلاحهای اتمی نیستند. در مقابل جمهوری اسلامی تنها از موضع مخالفت با تسلیح اتمی همه دولتها میتوان ایستاد. تنها جنبش خلع سلاح اتمی دنیا، جنبش مردمی که نمیخواهند تمدن و زندگی نسل بشر با یک جنگ اتمی نابود شود میتواند از یک موضع منسجم و استوار و انسانی در برابر تالشهای هسته‌ای دولت ایران و یا هر دولت

دیگری بایستد.

اتمی شدن جمهوری اسلامی از زاویه و به دلایل کاملا متفاوتی مورد اعتراض مردم است و در نتیجه راه حل مردم نیز کاملا متفاوت است. ابتدا باید بر این نکته تاکید کرد که این مساله از بالا و در چارچوب مناسبات دیپلماتیک و سیاسی و اقتصادی دولتهای غرب با حکومت ایران راه حل ندارد. تحریم اقتصادی راه حل نیست چون بیش از آنکه برای دولت جمهوری اسلامی محدودیتی ایجاد کند زندگی را بر مردم تنگ خواهد کرد و آنان را تحت فشار قرار خواهد داد، و دقیقا بهمین دلیل به جمهوری اسلامی بهانه مناسبی برای توجیه فقر و بی امکاناتی و بیحقوقی مردمی که هم اکنون اکثریت آنان زیر خط فقر زندگی میکنند خواهد داد. تحریم اقتصادی از لحاظ سیاسی جمهوری اسلامی را تقویت خواهد و نه تنها موجب توقف پروژه اتمی نخواهد شد بلکه به جمهوری اسلامی امکان خواهد داد که از موضع سیاسی قوی تر و حق بجانب تری این پروژه را دنبال کند.

راه حل دوم و "گزینه آخر" یعنی حمله نظامی به ایران نیز هم از لحاظ انسانی و هم سیاسی نتایجی به مراتب فاجعه بار تر از تحریم اقتصادی خواهد داشت. از نظر انسانی کشتار وسیعی که حاصل این جنگ خواهد بود براتر از آنچه در عراق و افغانستان اتفاق افتاد بیشتر و فاجعه بار تر خواهد بود. حمله به تاسیسات اتمی که جمهوری اسلامی عامدانه در قرارگاهها و مقراتی نزدیک شهرها و نقاط مسکونی مستقر کرده است و درهم کوبیدن آنها، حتی اگر آنطور که ادعا میکنند دقیق و به شکل جراحی نظامی صورت بگیرد، تلفات جانی زیادی بدنال خواهد داشت. یکی دیگر از نتایج چنین حمله‌ای آلودگی اتمی محیط شهرها و مناطق مسکونی مجاور تاسیسات هسته‌ای خواهد بود که از نسلهای بعدی نیز قربانی خواهد گرفت.

از لحاظ سیاسی حمله‌ای که به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر نشود آثرا قویتر خواهد کرد. چنین جنگی برای جنایتکاران حاکم بر ایران مانند جنگ با عراق نعمت محسوب خواهد شد. حمله نظامی آمریکا و دولتهای غربی بویژه اگر

از صفحه ۲ **کدام بحران، کدام راه حل؟**

اسرائیل در این عملیات شرکت داشته باشد اسلام سیاسی را در خاورمیانه تقویت خواهد کرد و به جمهوری اسلامی امکان خواهد داد بعنوان قربانی و قهرمان "جهاد با آمریکای متجاوز" موقعیت خود را در ایران و در منطقه تقویت کند و تحت این پرچم هر نوع مخالفت و جنبش اعتراضی مردم را به عقب براند و سرکوب کند. حتی اگر حمله نظامی به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود باز نتیجه هرج و مرج و وضعیت سیاهی شبیه به اوضاع عراق خواهد بود. باندا و دارو دسته های مسلح باقیمانده از جمهوری اسلامی بجان نیروهای اشغالگر و یکدیگر خواهند افتاد و زندگی مردم را به جهنم تبدیل خواهند کرد. البته در هر یک از این وضعیتها مردم آزادیخواه و نیروهای چپ و رادیکال نظیر حزب ما تمام تلاش خود را برای مقابله با این وضعیت و دفاع از مدنیت و انسانیت بکار خواهند برد اما شرایط برای سازماندهی و پیشبرد مبارزات انقلابی مردم بسیار دشوار خواهد بود. سرنگونی جمهوری اسلامی امریست که باید بقدرت انقلابی مردم ایران و بدون هیچگونه مداخله نظامی انجام بگیرد. تنها در این صورت است که اکثریت عظیم مردم پیروز خواهند شد، و به آزادی و برابری و رفاه که خواست همه مردم است خواهند رسید.

بنا بر این صورت مساله برای دولتهای غربی و در نتیجه راه حلهاهی هم که مطرح میکنند ربطی به مسائل و راه حلهای مردم ندارد. برای دولتهای غربی مساله پروژه اتمی، حمایت جمهوری اسلامی از گروههای تروریستی اسلامی و حتی مساله نقض حقوق بشر در ایران تنها به این دلیل و تا آنجا مطرح است که بتوانند از آن بعنوان اهرم فشاری برای رام کردن جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست خارجی و منافع خود در منطقه استفاده کنند. اما مخالفت مردم ایران و مردم آزادیخواه جهان با جمهوری اسلامی یک مساله دیپلماتیک مربوط به روابط بین دول نیست. از نظر مردم نه تروریسم اسلامی به حمایت از حماس و حزب الله محدود میشود و نه نقض حقوق بشر عمق جنایاتی که جمهوری اسلامی علیه مردم ایران مرتکب شده است را میتواند بیان

احتمال حمله نظامی به ایران نیست اما وظایف طرح شده در واقع آلترناتیو روشنی برای سازماندهی يك اعتراض انسانی و رادیکال در برابر پروژه اتمی جمهوری اسلامی و راه حلهای ضد انسانی دولتهای غربی بدست میدهد. در محور وظایف مطرح شده در پلاتفرم اخراج جمهوری اسلامی از جامعه جهانی قرار دارد. جمهوری اسلامی هیچ بخشی از جامعه ایران را نمایندگی نمیکند و نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته بشود. بطور مشخص ما خواهان آنیم که جمهوری اسلامی از سازمان ملل، سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی اخراج شود، همه دولتها بویژه دولتهای غربی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با حکومت اسلامی قطع کنند و سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها بسته شود. ما همچنین برای سازماندادن يك تریبونال بین المللی برای محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران و بشریت فعالیت میکنیم.

مبارزه برای تحقق این اهداف پاسخ روشن و انسانی به مساله اتمی شدن ایران و تهدید حمله نظامی به ایران است. پیام ما به مردم جهان اینست که به مردم ایران کمک کنید که جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. بهترین موثرترین شکل این کمک به رسمیت نشناختن جمهوری اسلامی از جانب جامعه جهانی است. همانطور که دنیا در رابطه با دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی عمل کرد و عامل موثری در سرنگون کردن نظام آپارتاید در آن کشور بود، با دولت آپارتاید جنسی در ایران امروز نیز باید همین شیوه را در پیش گرفت. ما از همه شخصیتها و سازمانهای مترقی و انساندوست، از همه نیروهای مخالف حمله نظامی به ایران، از همه نیروهای خواهان خلع سلاح اتمی دنیا میخواهیم که به کارزار اخراج جمهوری اسلامی از جامعه جهانی بپیوندند. دولتهای متبوعه خود را تحت فشار قرار دهند که بجای سیاستهای ضد مردمی نظیر حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی که قادر به حل مساله حتی در چارچوب مورد ادعای خود این دولتها نیست، روابط خود با جمهوری اسلامی را قطع کنند و اعلام نمایند که این رژیم را بعنوان حکومت و نماینده مردم ایران برسمیت نمی شناسند.

صفحه ۷

از صفحه ۱ **ستون اول**

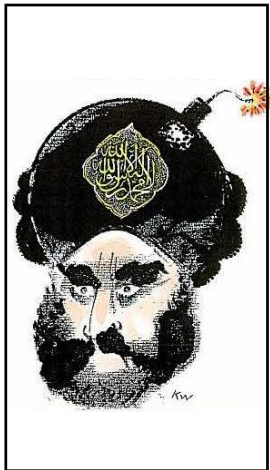
که وراث محمد در آن استادان کهنه کاری هستند.

سران مترجع اسلامی میگویند به مقدسات توهین شده است و باید از آنها عذرخواهی شود. کاریکاتورهای محمد، حتما به مقدسات کسانی توهین کرده اند. اما کدام مقدسات و کدام کسان؟ این کاریکاتورها مقدسات ارتجاعی جنبش اسلامی را زیر سؤال برده اند. مقدساتی که به نامش و زیر سلطه اش زندگی نسلهایی از انسانها تباه شده است؛ انسانها تیرباران شده اند؛ دختران جوان مورد تجاوز قرار گرفته اند؛ زنان و مردان سنگسار شده اند؛ سر ژورنالیستها از تن جدا شده است؛ کودکان به گروگان گرفته شده اند؛ اتوبوسها و قطارها منفجر شده اند؛ سکولارها و آته نیستها و کمونیستها و حتی پیروان ادیان دیگر مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند و ... چنین مقدساتی که کارش فقط آدمکشی و آزار و بی حرمتی به انسان است شایسته نفرت هستند.

اینها مقدسات جنبش اسلامی هستند که از نقطه نظر حرمت و آسایش و امنیت انسان نامقدس هستند. این مقدسات توهین به انسان و ارزشهای انسانی هستند. چنین مقدساتی را باید به زیاله دان انداخت. فقط از سران چنین جنبشی پرونده سنگینی علیه بشریت در نقش طلبکار هم ظاهر شوند که گویا قربانیان باید عذر خواهی هم بکنند.

همچنانکه گفتیم این جبهه جدیدی است که جنبش اسلامی باز کرده است. این میدان نبردی میان جنبش ارتجاعی اسلامی از یکطرف و نیروهای سکولار و متمدن از طرف دیگر است. شکست و پیروزی در این جبهه برای هر دو طرف حیاتی است. هر قدم پیشروی جنبش اسلامی در این سنگر، اعتماد بنفس از دست رفته شان به آنها باز خواهد گرداند، راه تعرض بعدیشان به ارزشهای انسانی را هموار تر خواهد کرد و این جنبش را هارتر و درنده تر خواهد کرد. در این جبهه هم باید این جنبش را شکست داد. دنیای متمدن و سکولار و آزادیخواه نباید اجازه دهد این دایناسورهای باقیمانده از نسل محمد حتی سرشان را هم بلند کنند. باید با قدرت تمام به عقبشان راند. *

افکار عمومی جهان، به عنوان نماینده معاصر بربریت منزوی شده است. در پیشبرد پروژه اتمیش به بحران افتاده است. این جنبش دنبال راهی برای تداوم حیات سیاسی اش است. دنبال راهی برای در صحنه ماندن است. جنبش اسلامی در چند سال اخیر تلاشهای مذبحخانه ای شروع کرده است که چنگالهای آلوده و خونینش را به جوامع غرب هم دراز کند. تقلا برای تحمیل حجاب در مدارس و نهادهای عمومی فرانسه و دادگاههای اسلامی در کانادا اخیرترین نمونه های چنین تقلاهایی بود. در هر دو عرصه شکست خورد و مفتضحانه هم شکست خورد. با انتشار کارتونهای محمد، جنبش اسلامی جبهه تازه ای برای مقابله با



بشریت متمدن، با ارزشهای سکولار، با آزادیخواهی و آزادی بیان گشوده است.

زیر پرچم "توهین به مقدسات" و "احساسات مردم مسلمان"، جنبش اسلامی میخواهد دو نقش را یکجا بازی کند. هم شمشیر بچرخاند، هم مظلوم نمایی کند. هم عربده بکشد، هم گریه کند. هم سر ببرد، هم در نقش قربانی ظاهر شود. با شمشیرش هر معترضی را بترساند. با گریه اش هر انسانی را به ترحم وادارد. ترور کند و مشروع جلوه دهد. به نام حرمت "مردم مسلمان"، حرمت انسان را له کند. و دست آخر دهان بشریت پیشرو در نقد اسلام و اعتراض به جنبش اسلامی را بدوزد. میخواهد در سکوت گورستانی، ارزشهای سکولار و انسانی و آزادیخواهانه را پایمال کند و جایی برای تنفس ارزشهای اسلامی پیدا کند. این يك لمپنیسم آخوندی است

ملاقات حزب کمونیست کارگری ایران با رئیس "آی ال او" در بریتانیا

راه پیشروی اتکا به توده کارگران است

اطلاعیه شماره ۹۳

به نام مجمع عمومی اطلاعیه میدادند و در مقابل این موضع تسلیم طلبانه می‌ایستادند و ضمن پافشاری بر خواسته‌های بحق خود، نمایندگانی را که در چنین شرایط دشواری آمادگی سخنگویی کارگران و دفاع از حق و حقوق آنان را دارند، برای تداوم مبارزه انتخاب می‌کردند. و در عین حال با دلسوزی تلاش می‌کردند، دوست خود را متوجه بپوچی و زیان عمیق این بیانیه کنند.

۳- ما گفته بودیم و باز هم تاکید می‌کنیم که "هر نوع سرخم کردن و کوتاه آمدن در برابر فشارها، تهدید و سرکوب و ارباب را تشدید خواهد کرد. توسل به مقامات و یا پیش گرفتن هر نوع شیوه دیگری بجز اتکا به نیروی خود و اتکا به حمایت کارگران و بخشهای دیگر مردم در ایران و در جهان نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه انسجام و اتحاد صفوف کارگران را از هم خواهد پاشید و موجب تعرض بیشتر حکومت خواهد شد."

دوستان کارگر، همسران کارگران، فعالین کارگری

تنها مبارزه متحدانه شما، راه تحقق اهداف و مطالبات حق طلبانه شما را به جلو هموار می‌کند. روشن است که شرایط سخت و دشواری است اما حرکت‌های امید بخش و شورانگیزی که در دل همین شرایط به همت شما آغاز شده است راه تغییر این وضعیت و پیشروی و پیروزی را می‌گشاید. راسخ و استوار این راه را ادامه بدهید. خود را تنها حس نکنید، کارگران و مردم شریف و آزاده ایران و جهان در کنار شما و پشتیبان حرکت حق طلبانه شما هستند و حکومت اسلامی از همیشه منفرتر و منزوی تر است. مبارزه شما باید به پیروزی برسد. حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و مردم در سراسر کشور و از سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان در سطح جهانی می‌خواهد با تمام قوا و به هر شکل که می‌توانند از مبارزه حق طلبانه شما و خواسته‌های بحق تان حمایت کنند.

۲- اما این بیانیه مستقل از دلیل صدور آن، در مقابل مبارزه کارگران و روحیه مبارزه جوشی آنها است. کارگران نمیتوانند تسلیم چنین موضع شکست طلبانه ای بشوند. آنها برای تحقق خواسته‌های خود راهی بجز تداوم مبارزه جمعی و متحد خود ندارند. اگر در ابتدای حرکت اعتراضی کسانی بودند که به پناه بردن به مقامات و ارگانها و وعده و وعیدهای آنها اندک امیدی داشتند، امروز کسی چنین توهمی ندارد. اگر امروز کارگران امکان تجمع داشتند،

اخیرا بیانیه ای با امضای آقای غلامرضا میرزائی عضو هیئت مدیره سندیکای واحد که در حال حاضر و پس از دستگیری اکثر اعضای هیئت مدیره، مسئولیت سخنگویی سندیکا را نیز بعهده دارد خطاب به مقامات و ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی صادر شده است که نه تنها شکست طلبانه است، بلکه به تعریف و تمجید از حکومت اسلامی و سیاست های ارتجاعی آن پرداخته است. ضمن ابراز تاسف از صدور این بیانیه، لازم است نکات زیر توضیح داده شود:

۱- تردیدی نیست که این بیانیه زیر فشار دستگاه سرکوب و اطلاعات جمهوری اسلامی تهیه شده است. دستگیری اکثر اعضای هیئت مدیره، و تعقیب و پیگرد سایر فعالین سندیکا و درگیر شدن در جنگی نابرابر، متأسفانه آقای میرزائی را به صرافت نوشتن چنین بیانیه ای انداخته است. اگر این فشارها وجود نمیداشت، چنین بیانیه ای هم توسط آقای میرزائی صادر نمیشد. این بار دیگر ماهیت جنایتکارانه و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را عیان می‌کند که حتی تلاش برای افزایش دستمزد و انعقاد قرارداد دسته جمعی با چنان سرکوبی مواجه میشود که يك فعال سندیکا را وادار به این موضعگیری می‌کند. توده وسیع کارگران، هم دلیل صدور این بیانیه را تشخیص میدهند و هم به ضرر و زیان عمیق آن واقفند و همه خشم و انزجار خود را متوجه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی خواهند کرد.

۲- اما این بیانیه مستقل از دلیل صدور آن، در مقابل مبارزه کارگران و روحیه مبارزه جوشی آنها است. کارگران نمیتوانند تسلیم چنین موضع شکست طلبانه ای بشوند. آنها برای تحقق خواسته‌های خود راهی بجز تداوم مبارزه جمعی و متحد خود ندارند. اگر در ابتدای حرکت اعتراضی کسانی بودند که به پناه بردن به مقامات و ارگانها و وعده و وعیدهای آنها اندک امیدی داشتند، امروز کسی چنین توهمی ندارد. اگر امروز کارگران امکان تجمع داشتند،

آی ال او" عنوان کرد در ماه مارس و چون این سازمان جلساتی برگزار خواهد کرد و وضعیت کارگران در ایران و سیاستهای جمهوری اسلامی از مواردی خواهد بود که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وی همینطور اعلام کرد که با دفتر مرکزی "آی ال او" تماس گرفته و در رابطه با مواردی که اشاره شد صحبت خواهد کرد و نتیجه آن را به اطلاع حزب خواهد رساند.

لازم به ذکر است که این جلسه قرار بود در روز جمعه ۱۰ فوریه که تظاهراتی در مقابل دفتر این سازمان در لندن برگزار میشود صورت بگیرد اما به دلیل در دسترس نبودن رئیس "آی ال او" در روز جمعه، این ملاقات روز سه شنبه ۷ فوریه صورت گرفت.

**تشکلات خارج کشور حزب کمونیست
کارگری ایران - بریتانیا**
۸ فوریه ۲۰۰۶

هیئت نمایندگی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قبال اعتراضات و خواسته های کارگری و به طور مشخص اعتراضات اخیر کارگران شرکت واحد، دستگیری کارگران و احکام فعالین کارگری اول ماه مه شهر سقر صحبت کردند و اعلام کردند که جمهوری اسلامی به هیچ عنوان نماینده کارگران ایران نمیباشد و باید از سازمان جهانی کار اخراج گردد. نمایندگان حزب همینطور بر وضعیت کارگران دستگیر شده و وضعیت حساس آنها و خانواده هایشان اشاره کردند و خواهان اقدام فوری "آی ال او" جهت فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد کردن دستگیر شدگان شدند. رئیس سازمان جهانی کار اظهار کرد که از اعتراضات اخیر مطلع میباشد و ضمن تشریح سیاستهای

در ادامه اقدامات حزب کمونیست کارگری ایران - واحد بریتانیا در حمایت از اعتراضات کارگران شرکت واحد، در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۰۶ هیئتی از طرف واحد حزب در بریتانیا مرکب از شیوا محبوبی و کیوان جاوید با Bill Brett رئیس سازمان جهانی کار (ILO) در لندن ملاقات کردند.

در این ملاقات اطلاعیه ها و گزارشهایی در رابطه با اعتراضات کارگران شرکت واحد و دستگیری کارگران در این رابطه، برخی از نامه های حمایتی اتحادیه ها از کارگران شرکت واحد، گزارش سرکوب سایر اعتراضات کارگری توسط جمهوری اسلامی، گزارشی از شرایط ناامن محیط کار، نامه شهلا دانشفر به "آی ال او" و همینطور اعلان تظاهرات ۱۰ فوریه به رئیس این سازمان ارائه داده شد.

Vergesst niemals Hatun!

Kampagne gegen Ehrenmorde

خاتون را هرگز فراموش نکنید!
کمپین علیه قتل‌های ناموسی

کنفرانس بین المللی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن

برای پایان بخشیدن به جنایاتی به نام قتل‌های ناموسی و شروع يك کمپین بین المللی قوی علیه این جنایت، چهره های سرشناس بین المللی در این مورد سخن میگویند!



مجلسین از طرف سازمان امنیتی خاتم هله لوره ویلماتز در این کنفرانس سخنرانی میکند. در این کنفرانس مهم حضور بهم رسانید و از نزدیک با نظرات و راه حل‌های این جمع پرچم‌ساز فعالین مدافع حقوق زنان و حقوق انسانی آشنا شوید.

تاریخ برگزاری کنفرانس چهارشنبه ۸ مارس در دانشگاه کلن - آلمان:
Fachhochschule Köln
Karl-Schüssler-Saal,
Gebäude Betzdorfer Str. 2
لطفاً از آوردن کوبل‌تان زیر ۱۲ سال خودداری کنید!
روبروی ۲۰ ایور

برنامه های این کنفرانس:

از ساعت ۳ تا ۴ بعد از ظهر روز هشت مارس کنفرانس مملوگالی
از ساعت ۴ تا ۱۰ نمایش فیلم‌نامه، سخنرانی و پانل بحث

سازمانهای حمایت کننده کنفرانس: سازمان آزادی زن، کمپین علیه دانشگاه‌های اسلامی در کاتاندا، کمیته بین المللی علیه سنسگاس، سازمان زنان توره دم فلم

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های زیر در آلمان تماس بگیرید:

۰۱۷۷۰۲۹۴۲ مینا احدی سخنگوی مملوگالی کمپین - ۰۱۷۲۴۰۴۴۳۳ نازنین برومند مسئول اجرایی کنفرانس

Kontakt:
E-Mail: hatun_kampagne@yahoo.de , minahadi@aol.com

باید از آزادی بیان پاسداری کرد! در حاشیه جنجال اسلامیت ها و چاپ کاریکاتورها



شهلا دانشفر

چاپ کارتونی هایی از محمد (پیغمبر اسلام) در يك نشریه دانمارکی و بنبال آن در چند نشریه اروپایی بهانه ای بدست جریانات اسلامی برای آشوب پیا کردن و جنجال و هیاهو راه انداختن داده است. فغان بر میاورند که به مقدسات اسلام توهین شده است. اسلامیت ها تهدید به قتل و بمب گذاری کرده اند و در برخی کشورهای اسلام زده بخصوص در لبنان و فلسطین و اندونزی تظاهرات خشونت آمیز سازمان داده اند. دولت های اسلامی به دولت های غربی اعتراض کرده اند. عربستان سعودی محصولات دانمارکی را تحریم کرده است. روزنامه "یولند پستن" دانمارکی رسماً از اسلامی ها عذرخواهی کرده است. سردبیر نشریه "لوسوار" فرانسوی اخراج شده است. دو ژورنالیست اردنی که قصد چاپ کاریکاتورها را داشته اند زندانی شده اند، آفریقای جنوبی چاپ کاریکاتورها را ممنوع کرده است و خبر چاپ کاریکاتورها و واکنش دولتها و اوپاش اسلامی در راس اخبار قرار گرفته است.

ارباب و گروهکشی سلاح جریان اسلامی است. اسلام سیاسی جریانی است که کارنامه سیاهی از جنایت و کشتار دارد، بطور روزمره برای پیشبرد اهدافش به ترور و سرکوب متوسل میشود. و زمانی که حقایق جنایاتش آشکار میشود، فغان بر میاورد که به مقدسات

چاپ کارتونی هایی از محمد (پیغمبر اسلام) در يك نشریه دانمارکی و بنبال آن در چند نشریه اروپایی بهانه ای بدست جریانات اسلامی برای آشوب پیا کردن و جنجال و هیاهو راه انداختن داده است. فغان بر میاورند که به مقدسات اسلام توهین شده است. اسلامیت ها تهدید به قتل و بمب گذاری کرده اند و در برخی کشورهای اسلام زده بخصوص در لبنان و فلسطین و اندونزی تظاهرات خشونت آمیز سازمان داده اند. دولت های اسلامی به دولت های غربی اعتراض کرده اند. عربستان سعودی محصولات دانمارکی را تحریم کرده است. روزنامه "یولند پستن" دانمارکی رسماً از اسلامی ها عذرخواهی کرده است. سردبیر نشریه "لوسوار" فرانسوی اخراج شده است. دو ژورنالیست اردنی که قصد چاپ کاریکاتورها را داشته اند زندانی شده اند، آفریقای جنوبی چاپ کاریکاتورها را ممنوع کرده است و خبر چاپ کاریکاتورها و واکنش دولتها و اوپاش اسلامی در راس اخبار قرار گرفته است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ فوریه ۲۰۰۶، ۱۶ بهمن ۱۳۸۴

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

از کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و تمام اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تقاضا میکنم همراه با کارگران شرکت واحد، همراه با ۲۴۰۰ نفر از فعالین کارگری که سال قبل در اعتراض به سیاست سازمان جهانی کار تا همینجا رسوائی عظیمی برای سازمان شما به بار آورده است.

با احترام
شهلا دانشفر
هماهنگ کننده
کمیته بین المللی همبستگی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ۸۲ - ۳ فوریه ۲۰۰۶

شوراهای اسلامی تشکلهای ایدئولوژیک اسلامی هستند! آنها را باید فوراً از سازمان جهانی کار اخراج کرد!

در قانون شورای اسلامی قید شده است که آنها موظفند هرگونه "تشنج و وقایع ناگوار" را به مقامات مربوطه گزارش کنند و وظیفه آنها همکاری با مدیریت، بالا بردن تولید و حفظ نظم و انضباط و اخلاق اسلامی در محیط کار تعیین شده است. به عبارت روشنتر کار شوراها اسلامی شناسایی و پیگرد فعالین و رهبران کارگری، اعمال فشار به زنان کارگر بر سر حجاب و مقررات اسلامی، ایجاد تفرقه در میان کارگران بر اساس مذهب و جنسیت و کنترل اعتراضات کارگری در جهت منافع کارفرمایان و دولت و بالاخره آلترناتیو و مانع دولت در برابر تلاشهای کارگران برای متشکل شدن است. بعنوان نمونه خبر دارید که در تاریخ ۹ مه ۲۰۰۵ این افراد بلند پایه شوراها اسلامی و خانه کارگر بودند که اعضای سندیکای شرکت واحد را مورد ضرب و شتم بیرحمانه قرار دادند، با چاقو و کارد موکت بری به جان فعالین سندیکا افتادند، زبان منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای واحد را مجروح کردند. در همین تهاجم بود که یکی از چشمان اسانلو آسیب زیادی دید. محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی و از عوامل بلندپایه دولت در دفاع از این چماقدار خود و دوستانش در گفتگویی با ماهنامه تولید در ژانویه ۲۰۰۶ میگوید امنیت فقط برای کسانی وجود دارد که در حریم قانون فعالیت میکنند و حتی اگر کسی را که فعالیتش خارج از چهارچوب قانون است، بکشیم قتل محسوب نمیشود. او مسئولین سندیکای شرکت واحد را خلافکار معرفی میکند و حتی استفاده از کلمه سندیکا و یا کراوات زدن را جرم میداند.

مورد بسیار مشخص تر برخورد شورای اسلامی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به اعتصاب اخیر کارگران این شرکت بود. طبق گفته مسئولین سندیکای شرکت واحد، مسئولین شورای اسلامی فعالین سندیکا را شناسائی میکردند و به عوامل سرکوب حکومت معرفی میکردند. در این اعتصاب بیش از هزار نفر از کارگران دستگیر شدند، حتی همسران و فرزندان اعضای

به آقای خوان سومایا دبیر کل سازمان جهانی کار آی او رو نوشت به: کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و سازمانهای کارگری در سراسر دنیا اعتراض به عضویت جمهوری اسلامی و شوراها اسلامی در سازمان جهانی کار ۳ فوریه ۲۰۰۶

آقای خوان سومایا!

با این نامه میخواهم يك بار دیگر خواست کارگران ایران در مورد اخراج جمهوری اسلامی و شوراها اسلامی از آی او را مورد تاکید قرار دهم. شوراها اسلامی و خانه کارگر ارگانهای دست ساز دولتی هستند که ۲۷ سال است در کارخانجات در ایران در سرکوب مبارزات کارگری و شناسایی و تعقیب و پیگرد رهبران اعتصابات و اعتراضات کارگری نقش فعالی داشته اند و شما با به رسمیت شناختن آنها بعنوان نمایندگان تشکلهای کارگری در سازمان جهانی کار عملاً در مقابل طبقه کارگر ایران و خواست برحق آنها برای انحلال این ارگانهای جاسوسی و ضدکارگری و ایجاد تشکلهای واقعی خود قرار گرفته اید.

بدون شک شما خود به روشنی از سابقه تشکیل شوراها اسلامی، این ارگانهای دولتی ضدکارگری در کارخانجات ایران خبر دارید. اما من اینجا میخواهم سابقه تشکیل آنها و پرونده سیاهشان را در مقابل شما قرار دهم و بار دیگر اعتراض خود و کارگران ایران را نسبت به عضویت آنها در سازمان جهانی کار اعلام کنم.

شوراهای اسلامی کار بدنبال سرکوب خونین اعتراضات و تشکل های واقعی کارگران توسط جمهوری اسلامی، در سال ۱۹۸۴ شکل گرفتند. شوراها اسلامی يك مرکز هماهنگی و هدایت در سراسر کشور دارند که "خانه کارگر" نامیده می شود. شوراها اسلامی همانطور که از اسمشان مشخص است، تشکلهای ایدئولوژیک اسلامی هستند که مطابق قانون مصوب دولت، کسانی حق انتخاب شدن در آنها را دارند که معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باشند، سابقه مخالفت با رژیم نداشته باشند، و صلاحیت آنها قبلاً توسط "هیئت تشخیص" که در واقع توسط وزارت کار و مراجع پلیسی انتخاب می شود، تایید شده باشد.

از تهران تا ژنو کارگران واحد در تهران و ما در ژنو همصدا هستیم

خلیل کیوان



کارگران واحد در تهران: انحلال شوراهای اسلامی

تظاهرات در ژنو در مقابل سازمان جهانی کار: اخراج جمهوری اسلامی و نمایندگان شوراهای اسلامی از سازمان جهانی کار ILO

اعتراضات کارگران و کارکنان شرکت اتوبوسرانی واحد تهران علی‌رغم سرکوب بیرحمانه آن توسط نیروهای امنیتی رژیم، تا همینجا دست آوردهای مهم و غیر قابل برگشتی را، برای کارگران و همه مردم ایران تثبیت کرده است. مبارزات کارگران واحد بر اهمیت و جایگاه کلیدی طبقه کارگر در سیر تحولات آتی تاکید گذاشت و پتانسیل عظیم جامعه بسوی آلترناتیو چپ را به روشنی نمایان ساخت. یک نیروی قدرتمند و تعیین کننده در تحولات سیاسی ایران و پایگاه طبیعی کمونیسم، قادر شد با یک بخش محدود توان خود، قدرت خیره کننده طبقه کارگر در رویارویی با رژیم را به نمایش گذارد، صفوف آنرا بهم بریزد، راست را ناچار به دنباله روی از خود وادارد و در سطح جهان حمایت گسترده اتحادیه های کارگری را سبب شود که در این ابعاد تازگی داشت.

اعتراضات کارگران واحد مکانیسم های بزانو درآوردن رژیم و راه سرنگونی آنرا نیز عیان ساخت. گوشه ای از قدرت سازمانگر و موقعیت تعیین کننده خود در جامعه را آشکار ساخت و راه کارهای موثر برای اقدامات گسترده تر آینده را نشان داد. و این در مقایسه با آنچه که طبقه کارگر قادر است و باید برای خلاصی کل جامعه از نکبت جمهوری اسلامی از خود بروز دهد، حکم تمرین پیش از مسابقه را دارد. مصافهای بعدی کارساز تر و خلاصی از آن برای جمهوری اسلامی دشوارتر خواهد بود.

در جریان این نبرد پشم و پنبه قدره بندان رژیم بیش از پیش فرو ریخت. آسیب پذیری رژیم و ضعف آن در یک رویارویی هدفمند و سازمان یافته توده ای بیشتر نمایان شد. ترهات دوم خردادی که مردم را از بیم "فاشیسم" جناح تندروتر، دعوت به تمکین و حمایت از جناح و

و بلاخره در این مبارزه کارگران و کارکنان واحد با طرح انحلال

آلترناتیوهای کمتر وحشی رژیم میکرد، یکباره دود شد و به هوا رفت. موعظه گران انقلاب مخملی و طرفداران راه حل از بالا و دخالت نظامی غرب برای سرنگونی رژیم را نیز، آچمز کرد. چند هفته مبارزه جانانه کارگران واحد شمالی زار حکومت خدا را در مقابل جامعه به نمایش گذاشت. از این نظر نیز، حرکت کارگران واحد جنبش سرنگونی را رمقی تازه داد و راه حل تحول چپ و انقلابی را تقویت کرد.

اهمیت تشکل کارگری و حزب در مبارزه طبقه کارگر با سرمایه داری را برجسته ساخت. کارگران را در مقیاس وسیعی متوجه نیازشان به سازمان و حزب ساخت. مطالبه حق ایجاد تشکل های غیر وابسته به دولت را تا اعماق جامعه رسوخ داد. پرچم مطالباتی مانند قرارداد دسته جمعی و افزایش حقوق به سطح پانصد هزار تومان را که بیشتر توسط بخش های دیگری از کارگران طرح شده بود، به اهتزاز در آورد. با طرح این مطالبات، جنبش کارگری گامهای بزرگی بجلو برداشت. طی چند هفته، مبارزه کارگران و رژیم چنان حاد و قطعی شد که شوراهای اسلامی و خانه کارگریها را آشکارتر از همیشه در مقابل کارگران و در کنار رژیم قرار داد. این پادوها و مزدوران رژیم دوش به دوش نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به شکار کارگران مبارز پرداختند و در نتیجه در ابعاد بیسابقه ای ماهیت رژیم شان برملا شد و رسواتر شدند. اکنون با توجه به اینکه بیش از هزار نفر از فعالین کارگری زندانی شده اند، مساله زندانیان سیاسی در ایران از هر نظر بعد تازه ای خواهد یافت. در داخل و در خارج تنفر از رژیم را تعمیق خواهد کرد و موجبات تلاش های گسترده برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی را فراهم خواهد کرد..

دوستان! در این تظاهرات شرکت کنید! هر کجا که هستید میتوانید خبر این تظاهرات را وسیعا پخش کنید. اتحادیه های کارگری را از برگزاری این تظاهرات مطلع کنید. آنها را به حمایت از خواست اخراج جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی و خانه کارگر از آی ال او فرا بخوانید. باید آی ال او را برای تحقق این مطالبه کارگران واحد از همه جا و از همه طرف تحت فشار قرار داد. *

مردم با انفجار ترقه مراسم سینه زنی رژیم در سندج را به هم زدند

بعد از یک ساعت درگیری، مزدوران رژیم ناچاراً به داخل حسینیه پناه بردند

لازم به توضیح است که سینه زنان در شهرهای کردستان تنها از کسانی تشکیل میشود که از پادگانها آورده میشوند و یا افراد دولتی هستند که در این مراسمها شرکت میکنند.

طبق خبری که به دست ما رسیده است در جریان این درگیری کسی دستگیر نشده است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به جوانان و مردم سندج درود میفرستد. ما همه جوانان و مردم سندج را فرامیخوانیم که اجازه ندهند عوامل مزدوران رژیم اسلامی مراسمهای فرامیخوانیم که اجازه ندهند عوامل مزدوران رژیم اسلامی مراسمهای شنیع سینه زنی و خود زنی را به خیابان و محل زندگی مردم بیاورند. جمهوری اسلامی باید بداند که با مردمی مدرن انسان دوست و معترض روبرو است و اجازه خود زنی و مراسمهای وحشیانه را به آنها نمیدهند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

روز چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۴ ساعت ۸ شب در چهار راه خیابان چهار باغ سندج، جوانان و مردم این شهر صف سینه زنی عوامل رژیم اسلامی را با منفجر کردن ترقه و هو کردن مورد حمله قرار دادند. مامورین نیروهای انتظامی و گارد ویژه که این مراسم مذهبی را حمایت میکردند به مردم حمله کردند. مردم و جوانان شهر از گوشه و کنار خیابان به سویه زنها و مامورین حمایتی آنها حمله کردند این درگیری از ساعت ۸ تا ۹ شب ادامه داشت. در جریان درگیری مردم با سرداد شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد هر لحظه به تعرض خود می افزودند. تعدادی از جوانان در جریان درگیری بوسیله باتوم زخمی شدند و آسیب دیدند. اما با حضور بیشتر مردم و حمله به صف نیروهای مزدور رژیم، سینه زنان ناچار شدند که به داخل حسینیه فرار کنند.

کمکهای مالی رسیده به حزب

کانادا

مهران محبوبی ۱۰۰ دلار کانادا
بانو مخبر ۱۰۰ دلار
کمک مالی در میز حزب ۸۸ دلار
جمشید هادیان ۱۰۰ دلار
دوستداران حزب (از طریق جمشید) ۱۰۰ دلار
سعید سلطانیپور از دالاس ۱۲۰ دلار آمریکا

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حتی محمد هم به کاریکاتورهایش اعتراض کرد!

مظفر رامش

mozafar_ramesh@yahoo.com

محمد سپس رو به جهانیان با اشاره به کاریکاتوری که وی را دم دروازه بهشت نشان می دهد تا از ورود شهدای عملیات انتحاری به بهشت بدلیل نبود دختر باکره جلوگیری کند، می گوید:



یا مثلاً وقتی که من از کسی کیسه ای به دل داشتم بدبختانه بمبی نبود که زیرش بگذاریم. در جایی که عده ای از مسلمانان جمع بودند من می گفتم - من لی بهذا الخبیث؟- یعنی کیست که داد من را از این خبیث بستاند؟ و بعد تعدادی داوطلب می شدند و ترتیب طرف را می دادند. همینطور بود که ما آن پیرمرد ملعون ۱۲۰ ساله یهودی بنام ابوعفک را به هلاکت رساندیم. با اینهمه من اذعان میکنم که با بمب کار ما بمراتب تر آسانتر می شد.

نشین و پسران نورس جاودانی، ما نتوانیم برای شهدای عزیزمان اسباب لذت بوجود آوریم و تازه من مانع ورودشان به بهشت شوم. اینها توطئه کرده اند که من را از روزی بیاندازند!

محمد آنگاه به کاریکاتور دیگری اشاره کرد. کاریکاتوری که وی را درحالی که قمه بدست دارد در پیش ۲ زن هراسناک نشان می دهد. محمد گفت:

" این کاریکاتور را باید يك آشنا به سنت من کشیده باشد. کسی که حال و روز پیشوای اسلام را خوب میشناسد. چرا که برخلاف کاریکاتورهای دیگر عکس من را درست و با قمه کشیده است. و اینکه ما صد در صد با قمه از نوامیس خود دفاع می کنیم. اما همین آشنا به قوانین اسلام هم چرا فقط عکس ۲ تا از زنان من را کشیده اند؟ آنهم فقط خدیجه و عایشه! تازه عایشه هم خیلی پیرتر از زمانی است که ۹ سال



داشت و به عقد من درآمد. من پس از مرگ خدیجه دستکم با بیست زن به عنوان زنان دائم یا موقت ازدواج کردم و تازه همیشه تعدادی کنیز همخوابه هم در اختیار داشتم. کنیزها به درك پس عکس بقیه چه شد؟ است که با وجود اینهمه حوریان پرده

" این احمقها اصلاً نمی فهمند که ما در بهشت فقط وعده دختران باکره را نداده ایم. پس غلمان ها چی؟ حالا گیرم که دختران باکره هم تمام شدند ولی آن پسران نورسی که ما وعده اش را دادیم چه؟ چطور ممکن است که با وجود اینهمه حوریان پرده

از صفحه ۳ کدام بحران، کدام راه حل؟

مردم، همچنین دست زدن به حمله نظامی به ایران را برای دول غربی هم از نقطه نظر قانع کردن افکار عمومی و هم نتایج عملی غیر قابل پیش بینی چنین اقدامی، به انتخاب مشکل و نامطلوبی تبدیل خواهد کرد. از این رو حمایت از مبارزات مردم ایران مستقیماً در خدمت خنثی کردن سیاستهای ضد انسانی هر دو قطب "بحران هسته ای" قرار دارد.

یک نمونه موفق این حمایت، پشتیبانی عملی و وسیع و شور انگیز

از سوی دیگر حمایت فعال از مبارزات مردم ایران که مدام بر سر مسائل مختلف در حال جریان است نقش کلیدی ای هم در خنثی کردن تهدید مجهز شدن جمهوری اسلامی به سلاحهای هسته ای و هم مقابله با تهدید نظامی دولتهای غربی بازی میکند. هر چه مبارزات مردم وسیع تر و رادیکال تر باشد به همان میزان بحران جمهوری اسلامی در مقابل مردم شدت بیشتر خواهد یافت و از دامنه بحران اتمی کاسته خواهد شد. گسترش مبارزات و اعتراضات

عکس "زینب دختر خزیمه"؟ عکس "ام سلمه دختر ابی امیه"؟ عکس "حفصه دختر عمر"؟ عکس زینب بنت جحش"؟ تازه اینها اسامی چند نفر است که من یادم مانده است! یعنی این نقاش نمی فهمد که مردانگی ما اهل بیت قرآن فقط با دو زن ثابت نمی شود؟ این کفر نیست پس چیست؟ محمد که بسیار خشمگین بود و قمه خود را در هوا می چرخاند گفت:

" آیا کسی هست که نداند باریتعالی اگر بخاطر خلقت من نبود این میلیاردها کهکشان و میلیاردها ستاره و سایر موجودات را خلق نمی کرد؟ آیا کسی هست که نداند وقتی من در دشت و کمر رفع حاجت می کردم همه درختان و سنگها و کوهها بر من سلام می دادند؟ آیا کسی نیست که همه این شگفتی ها را نقاشی کند؟ آیا کسی هست که آن حرف مادر بزرگوارم آمنه را بخاطر نداشته باشد که می گفت "چون فرزندم متولد شد، دو دست بر خاک نهاد و سر به سجده گذاشت. سپس دست ها را به آسمان بلند کرد و دعایی خواند". آیا هیچ کودک دیگری اینکار را می کند؟ چرا کسی نیست که این عظمت را به تصویر بکشد؟"

محمد که از فرط عصابنیت از نفس افتاده بود گفت آنها که کارتون ایشان را کشیده اند حق مطلب را ادا نکرده اند. باید گردنشان زده شود. ولی او در عین حال به مسلمانان دلگرمی داد که اگر امروز موفق به انجام این کار نشدند جهنم در انتظار این کاریکاتوریستهای ملعون خواهد بود. و محمد گفت:

" در جهنم آنها گیر می افتند و به زنجیر کشیده میشوند. هنگامی که زنجیر در گردن آنان است، پس به آب گرم کشیده می شوند و سپس در آتش انداخته می شوند!" *

اتحادیه های جهانی کارگران از مبارزات کارگران شرکت واحد است. باید با تمام قوا تلاش کرد تا این نوع حرکتی جهانی در رابطه با مساله بحران هسته ای و تهدید حمله نظامی به ایران نیز صورت بگیرد. تحت فشار قرار دادن دول غربی و نهادهای بین المللی برای برسمیت نشناختن دولت جمهوری اسلامی و حمایت وسیع و فعال از مبارزات مردم ایران دو جزء اصلی راه حل سوم، راه حل دنیای متمن، نه تنها در قبال بحران اتمی بلکه در پاسخ به فاجعه انسانی است که جمهوری اسلامی نامیده میشود. *

برنامه No to Political Islam

بتاریخ ۹ فوریه

در این برنامه آذر ماجدی در گفتگو با مریم نمازی سردبیر نشریه Briefing، روی براون رئیس Ethical Union و حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری، مساله کاریکاتورهای محمد، هیاهویی که در کشورهای اسلام زده براه افتاده و آزادی بیان را به بحث و تحلیل میکند:

آیا چاپ این کاریکاتورها باید ممنوع شود؟

آیا عذرخواهی لازم است؟

نقش اسلام سیاسی و دولت های اسلامی در پناه افتادن این هیاهو چیست؟

آیا باید بر آزادی بیان محدودی اعمال شود؟

وقتی آزادی بیان موجب تحریک و آشوب میشود، چه باید کرد؟

این سوالات و سوالاتی دیگر در این برنامه به بحث گذاشته میشود.

بعلاوه بهرام سروش از کمیته بین المللی همبستگی کارگری آخرین اخبار مربوط به اعتراض کارگران شرکت واحد، کمپین بین المللی همبستگی با کارگران، و فراخوان اخیر کنفدراسیون آزاد اتحادیه های کارگری در همبستگی با کارگران ایران را به اطلاع بینندگان میرساند.

این برنامه را میتوانید در کانال جدید یا روی سایت <http://www.newchannel.tv/NoToPolitical-Islam.htm>

ببینید.

سوالات و نظرات خود را برای آذر ماجدی ارسال کنید: azarmajedi@yahoo.com

۱۵ فوریه کارگران!

اتحادیه های جهانی روز ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) را روز حمایت از کارگران ایران اعلام کردند در صفی متحد در همبستگی با کارگران ایران به خیابانها بیاییم!

وسیع و جهانی ما و مشت های گره کرده ما را ببینند. بگذار دنیا ببیند جمهوری اسلامی با مردم، با کارگران و با بشریت چه کرده است. روز ۱۵ فوریه میتواند يك روز تاریخی در همبستگی با کارگران ایران و کارگران شرکت واحد باشد. هر کاری دارید کنار بگذارید و به این تظاهرات بیایید.

روز چهارشنبه ۱۵ فوریه را فراموش نکن!

**تشیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فوریه، ۲۰۰۶ بهمن ۲۰۰۶**

حق طلبی شان زندانی شدند، همبستگی و حمایت تک تک ما بیش از هر زمان ضروری است. از این فرصت استفاده کنیم، دست از کار بکشیم، و با اعضای خانواده در این اجتماعات شرکت کنیم. دوست و همکار و همسایه ایرانی و غیر ایرانی مان را به این تظاهرات دعوت کنیم. بگذار جمهوری اسلامی و مقامات ریز و درشت آن اعتراض و انزجار جهانی ما را ببینند. بگذار کارگران شرکت واحد، مهدیه و صدرا و سایر کودکان و همسران و مادران آنها، همبستگی

عقب افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا شوند. حزب کمونیست کارگری این اقدام برجسته و بسیار مهم را ارج میگذارد و از کارگران و مردم آزادخواه در همه کشورها دعوت میکند روز چهارشنبه وسیعاً در این تظاهرات شرکت کنند. این پرچم انسانی کارگران جهان است که دست خسته کارگران واحد را میفشارد. در این روزها که کارگران شرکت واحد و همسران آنها در اعتراض به سر میبرند، در شرایطی که تعداد انبوهی از کارگران بخاطر

کارگری در کشورهای جهان خواسته شده که در هر کشوری در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و در کشورهایی که جمهوری اسلامی سفارت ندارد در مقابل وزارت امور خارجه آن کشور دست به تظاهرات بزنند، به سرکوب کارگران اعتراض کنند و خواهان: برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگری، آزادی منصوراسانلو و کلیه کارگران دستگیر شده، پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد، برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی و پرداخت دستمزدهای

مهاجرین ایرانی، مردم آزادخواه!
جنبش همبستگی جهانی با کارگران واحد يك گام بلند به جلو برداشت. اتحادیه های جهانی (Global Unions)، متشکل از کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری، ۱۰ فدراسیون جهانی کارگری و کمیته مشورتی کارگری سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، به نمایندگی از صدها میلیون کارگر در جهان، روز ۱۵ فوریه جاری را روز اعتراض به جمهوری اسلامی و روز حمایت از کارگران ایران اعلام کردند. در این نامه از اتحادیه ها و سازمانهای

همبستگی بین المللی با کارگران واحد: لیست حمایتها

فدراسیون کار بریتیش کلمبیا در کانادا - با ۴۷۰ هزار عضو - اتحادیه های کارگران متال و خدمات عمومی فنلاند اتحادیه کارگران پست استکهلم (سکو-سودرمالم) باب کرو (Bob Crowe)، دبیر کل اتحادیه کارگران راه آهن، دریانوردی و ترانسپورت بریتانیا به همراه تنی چند از فعالین کارگری و اجتماعی این کشور سازمان سراسری کارگران سوئد (LO) با حدود ۲ میلیون عضو سازمان منطقه ای LO سوئد در گوتنبرگ اتحادیه کارگران ترانسپورت سوئد با ۷۴ هزار عضو اتحادیه کارگران راه آهن اتریش با ۱۰۰ هزار عضو کنگره کار کانادا با ۳ میلیون عضو اتحادیه بازنشستگان آمریکا اتحادیه آتش نشانی تولاتان والی در آمریکا کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری - نامه سوم به تاریخ ۳۱ ژانویه کنفدراسیون کارگران راه آهن ژاپن (JR) اتحادیه کارگران راه آهن فیلیپین (BKM-PNR-ITF) سازمان دیده بان حقوق بشر در آمریکا اتحادیه کارکنان بیمارستانهای استان بریتش کلمبیا در کانادا - دومین نامه اعتراضی به تاریخ ۲ فوریه ۲۰۰۶ ائتلاف "هیچ کس غیرقانونی نیست - تورنتو - کانادا" بیانیه مشترک اتحادیه های کارگران شهرداری، اتحادیه کارگران و کارمندان خدمات ارتباطات، اتحادیه کارمندان شهری و دولتی، اتحادیه مدد کاران اجتماعی، اتحادیه کارمندان و کارگران ارتش و اتحادیه کارگران و کارمندان حمل و نقل سوئد حزب سوسیالیست های عدالتخواه سوئد کنفدراسیون اتحادیه های کارگری فنلاند - نامه دوم اتحادیه کارگران خدمات عمومی فنلاند - نامه دوم حزب کمونیست فنلاند شورای اتحادیه کارگران استرالیا - با ۲ میلیون عضو سازمان مرکزی کارگران سوئد (SAC) ائتلاف اتحادیه های آلمان در قسمت مرکزی ایالت نیدرزاکسن

اتحادیه تجارت، ترانسپورت و ترافیک اتریش اتحادیه سراسری صنعت قطار، اتوبوس و تراموا در استرالیا فدراسیون کار و کنگره سازمانهای صنعتی آمریکا - با ۹ میلیون عضو شعبه کنفدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت در کشورهای اردن، تونس و فلسطین اتحادیه رانندگان و کنترل قطار شهری استکهلم - سوئد (کلوب ۱۱۹ اتحادیه سکو) اتحادیه شورا و سندیکاهای کارگری عراق کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری کمیته همبستگی بین المللی کارگران صنعتی جهان واقع در پورتلند آمریکا کلپ "سیتی پندل" اتحادیه سکو (قطارهای میان شهری استان استکهلم در سوئد) شبکه اینترنتی وابسته به سندیکاهای کارگری ترکیه اتحادیه سراسری کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا ۵۱ اتحادیه کارگری در آمریکا اتحادیه سراسری کارگران مونتناژ در استرالیا - با ۱۵۰ هزار عضو گروه خدمات مسافری اتحادیه ترانسپورت انگلستان (T&G) اتحادیه کارگران پست کانادا - با ۵۵ هزار عضو اتحادیه کارگران ترانسپورت آلمان - با ۳۰۰ هزار عضو کمیته حمل و نقل شهری فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت نماینده حزب سبزها پارلمان فدرال بلژیک اتحادیه کارگران کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا در استان "نیو سات ویلز" اتحادیه خدمات استرالیا اتحادیه کارگران مونتناژ استرالیا در استان "نیو سات ویلز" اتحادیه دانشجویان دانشگاه مانیتویا در کانادا جمع هائی از کارگران پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی فن آوران، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی فارابی، پتروشیمی رازی و پتروشیمی مارون در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

اضمیمه اطلاعیه شماره ۹۵ حزب کمونیست کارگری

جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو جمعی از کارکنان شرکت ملی صنایع مس ایران کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه تعدادی از فعالین کارگری صنایع نفت و پتروشیمی مناطق جنوب کشور - خوزستان کنگره کار کانادا (CLC) با ۳ میلیون عضو کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا (TUC) با ۷ میلیون عضو دانشجویان دانشگاه علامه دانشجوین امیر کبیر و شمار دیگری از دانشگاههای تهران کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) با ۱۵۵ میلیون کارگر عضو کارگران شاهر در سنجند کمیته اعتصابیون نساجی کردستان در سنجند تعدادی از کارگران شاغل در صنایع پتروشیمی منطقه ویژه ماهشهر شبکه اینترنتی "لیبر استارت" و "لیبر نت" که با درج مرتب اخبار به این کمپین کمک کرده اند. کمیته ترانسپورت شهری فدراسیون کارگران ترانسپورت اروپا اتحادیه کارکنان بیمارستانها در کانادا - شاخه بریتیش کلمبیا - با ۴۲ هزار عضو اتحادیه بین المللی کارگری تیمسترز - با ۱ مایبون و ۴۰۰ هزار عضو فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت - با ۵ میلیون عضو جمعی از کارگران عسلویه مردم فیض آباد سنجند کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ - با ۸۵۰ هزار عضو مرکز همبستگی اتحادیه های کارگری در فنلاند سازمان عفو بین الملل (امنستی) اتحادیه کارگران پتروشیمی در فنلاند اتحادیه کارگران انرژی نروژ - با ۵۷۰۰ عضو